

دریچه

**بودجه‌های بدون برنامه، دورتر از چشم‌انداز**

♦ **دکتر محمد ستاری** فر\*

بودجه در قانون برنامه و بودجه تعریفی مشخص دارد، براین مبنسا که چگونگی اداره کردن کشور توسط دولت در طول یک سال را باید مشخص کند. یعنی وقتی از بودجه سخن به میان می آید، باید مواضع، سیاست‌ها و اهدافی که دولت می‌خواهد در مورد مسایل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی طی طریق کرده و بر مبنای آن کشور را اداره کند، در بودجه پیش‌بینی شود. به‌این نوع بودجه بودجه «برنامه‌ای» گفته می‌شود. ضمن این‌که در قانون برنامه و بودجه به صراحت اشاره شده که کشور برنامه بلند مدت ۲۰ساله، برنامه میان مدت پنج ساله و بر برنامه کوتاه مدت سالانه یا همان بودجه دارد. این حکم نشان می‌دهد که دولت‌ها هنگام تدوین بودجه، بودجه مبتنی بر برنامه را باید بنویسند. تعریف دیگر بودجه مربوط به قانون محاسبات عمومی است. براساس این قانون، بودجه را دخل و خرج دولت تعریف می‌کنند. همچنین با استناد به این قانون باید برنامه‌ریزی دقیق، قانونمند و شفافی شکل بگیرد تا مشخص کند که چگونه منابع کشور شکل گرفته و چگونه و کجا خرج می‌شوند؛ اگر از بودجه دولت تخلف کنند، باید پاسخگو باشند. درباره مصارف بودجه‌ای گفته شده که این دسته از شرکت‌ها یا سازمان‌هایی که براساس قانون مشمول بودجه سالانه می‌شوند، اگر از بودجه دولت تخلف کنند، باید پاسخگو باشند. این در حالی است که در دو، سه سال گذشته دولت بودجه را در قالب ۴۲ ردف تنظیم کرده و وظایفی که در قوانین بر اجرای آنها تصریح شده را رعایت نکرده است. اما اکنون با این دو تعریف حد اکثری و حداقلی که از منابع و مصارف وجود دارد، این سوال پیش می‌آید که آیا بودجه ۸۹ بودجه برنامه‌ای است؟ یا مواضع قانون محاسبات را در خود جای داده است؟ یا اینکه آیا می‌توان برنامه‌ای کوتاه مدت از مسیر سند چشم‌انداز باشد؟ پاسخ به این سوال، یک بودجه منطبق با برنامه یاد کرد یا خیر؟ به طور کلی بودجه برنامه‌ای باید از جامعیت، فراگیری و شفافیت لازم برخوردار بوده و محاسبه پذیر، معطوف به هدف و براساس مأموریت دستگاه‌ها تنظیم شده باشد. اگر هدف، تحقق اهداف چشم‌انداز و برنامه‌های میان مدت پنج ساله است که رشد ۸٫۸ درصدی را هدفگذاری کرده، باید در جهت تحقق این رشد گام برداریم. بنابراین باید کسی که بودجه را ورق می‌زند، بتواند در لابه لای تبصره‌ها، احکام، اعداد و ارقام، روح کفایت، جامعیت، فراگیری، معطوف به هدف بودن، سیاست‌گذاری، شفافیت و تناسب پذیرگی را دریافت کند که تمام این شاخصه‌ها نیازمند رعایت موازین حقوقی، عملی و اجرایی است که باید در چارچوب یک بودجه دیده شود. از سوی دیگر بودجه باید به شکلی صریح برای قانون گذران، دستگاه‌های اجرایی و مهم‌تر از آن افکار عمومی روشن باشد، به عبارت دیگر باید روشن کند که به کجا می‌خواهیم برسیم و با بودجه قبلی به کجا رسیدیم. همان گونه که بر مبنای یک مثل معروف که می‌گوید «دیروز یک تاریخ است، فردا اسناد یک رمز است و امروز خداوند است که باید آن را در یابیم.» از همین رو بودجه ۸۹ را باید به طور مشخص در پیامی که دیروز از کجا حرکت کردیم، امروز به کجا رسیدیم و فردا قرار است به کجا برسیم.

این ویژگی‌ها به ویژه در شاخص‌های کلانسی مانند نقدینگی و تورم، توازن و تعادل، صدارت و واردات، بیکاری و اشتغال، از قوانین میان مدت توسعه‌ای حرکت می‌کند تا به چشم‌انداز برسد. در بودجه سال‌های ۸۵، ۸۶، ۸۷ و ۸۸ هدف‌های وجود داشته، امروز باید مشخص شود آیا به آن هدف‌ها رسیدیم یا نه. بودجه ۸۹ ما را به پله بالاتر رهنمون کند؟ به همین دلیل الزاماً باید جایگاه و منزلت بودجه نسبت به عملکرد بودجه قبلی معلوم شده باشد. بودجه ۸۹ در عملکرد خود از اطلاعات نمایندگان و کارشناسان نشان می‌دهد که در مورد این لایحه ابهاماتی وجود دارد، یعنی مشخص نیست نسبت به بودجه ۸۸ نسبت‌ها چگونه است. یعنی تا مشخص نشود که با این بودجه قرار است به کجا برسیم، نمی‌توان بودجه‌ای مناسب کشور تنظیم کرد. این در حالی است که بر حسب قوانین کشور، بودجه الزاماً باید در چارچوب قوانین اساسی، چشم‌انداز، سیاست‌های کلی برنامه باشد و در عمل باید اثبات کند که یک برش سالانه از آن موازین است که متأسفانه این موضوع به شکل گسترده در کشور ما مورد توجه قرار نگرفته است. وقتی می‌بینیم دولت آشکارا و با اختیار برنامه چهارم و سیاست‌های کلی را زیر سوال می‌برد و از نظر فکری درارشی این قانون را زیر سوال می‌برد، با هیچ کدام از اطلاعات‌های سال‌های قبل را در چارچوب برنامه ارائه نکرده است، این سوال مطرح است که چه نیازی به بودجه برنامه‌ای داریم؟ از سوی دیگر مضامینی که از آنها یاد شده، در واقع برخاسته از قوانین و مقررات است که نشان می‌دهد یک بودجه برنامه‌ای چقدر منطبق با قوانین است. این امر کمک می‌کند تا قرائت از این بودجه با اهداف و ارقام در عملکرد کشور قرائت داشته باشد و در نهایت این‌که این بودجه‌ها چه میزان برخاسته از اسناد بالادستی خود داشته است. این در حالی است که بررسی عملکردها نشان می‌دهد که در چند سال اخیر، هیچ کدام از بودجه سال‌های اخیر پیوندی با اسناد بالادستی نداشته‌اند. بنابراین به عنوان یک کارشناس معتقدم که این روند نشان می‌دهد که ما در این کشور و در این جغرافیا نیازمند بودجه برنامه‌ای نیستیم. وقتی اعتقادی به بودجه برنامه نیست، بودجه ۸۹ چه نیاز به برنامه‌های چهارم یا پنجم ندارد که دولت عنوان کرده که بودجه ۸۹ بر اساس برنامه پنجم نوشته است، زیرا حتی با آن لایحه برنامه پنجم هم قریب ندارد. در مقابل نمایندگان مجلس معتقدند که چون برنامه پنجم تصویب نشده، باید یکسال برنامه چهارم تمدید شود. سوال من این است که مگر برنامه چهارم اجرا شد و عملکرد آن وجود دارد که این برنامه تمدید شود؟ اگر عملکردی هست چرا به طور مشخص عملکرد این برنامه در منظر قانونگذار قرار نمی‌گیرد که مشخص شود در طول برنامه چهارم از کدام پله به کدام پله از مسیر چشم‌انداز رسیدیم؟ بنابراین چون در عمل بودجه‌های کشور قرائت می‌شود، باید برنامه ندارند، این ادعا که چگونه بودجه بدون برنامه تصویب شود، مشکل دیگری را مطرح می‌کند و این‌که مسئولان کشور ما اعتقادی به بودجه‌های برنامه‌ای ندارند. امروز در پاسخ به این سوال که آیا این بی‌اعتقادی ریشه ساختاری دارد یا در طول چند سال اخیر اتفاق افتاده است، باید گفت که البته در طول دوران ۷۰سال برنامه‌ریزی در کشور درجه پایبندی ما به قوانین و مقررات نمره قابل قبولی ندارد. اگر چنین بود که نباید از کشورهای پایین‌تر از خودمان عقب می‌افتادیم. بنابراین براساس نظر‌های علمی ندیان دسته از حاکمیت‌هایی که خود را نسبت به قانون‌داری درجه پایبندی بیشتری می‌دانند، پیشرفت می‌کنند. این در حالی است که ما در کشور با هرج و مرج‌های روزبه‌رو هستیم، یعنی قانونی را می‌نویسیم، اما زمان اجرا با تمهید زدن‌ها آن تشتت آبی که می‌خواهد به اقتصاد برسد، آندر سوراخ سوراخ می‌شود که آب به مردم نمی‌رسد.(پلنا)

<span><b>*</b></span> <b>رئیس پیشین سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور</b>
<b>عبار</b>
<b>اگر اتفاق‌های ناگوار نیفتد</b>

♦ **سید احمد ضاحلجانی** یابینی\*

به‌طور کلی بازار نفت حکایت از آن دارد که اگر اتفاق غیر قابل پیش‌بینی رخ ندهد، قیمت نفت در سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷ تا ۵۰ دلار باقی خواهد ماند. از این رو به نظر می‌رسد اوضاع اقتصادی جهان در سال میلادی در شرایط فعلی حفظ شود و قطعاً با بحران اقتصادی سال‌های گذشته دیگر خبری نخواهد بود. اگرچه تنها این امر دلیل این پیش‌بینی نیست، بلکه روند فعلی بازار نیز حاکی از نوسانات قیمتی حدود ۱۰ دلار است و بر همین اساس پیش‌بینی می‌شود که قیمت این فرآورده بین ۲۰۱۷ تا ۵۰ دلار باقی بماند. البته این پیش‌بینی شده نیز منوط به آن است که اتفاق قابل توجه و غیر قابل پیش‌بینی رخ ندهد. چرا که در صورتیکه یک اتفاق باعث شود عرضه محدود شود، قطعاً قیمت‌ها از این رقم‌های پیش‌بینی شده فراتر رفته و اگر تعادل میان عرضه و تقاضا برهم بخورد و عرضه از تقاضا پیشی بگیرد نیز، قطعاً باید منتظر کاهش قیمت نفت به کمتر از رقم‌های پیش‌بینی شده باشیم. از جمله این اتفاق‌های ناگوار می‌توان به حمله به تناسبات نفتی نیجریه اشاره کرد که هر ساله شاهد این اتفاق در این کشور هستیم و همین امر نیز می‌تواند در بالا و پایین شدن قیمت نفت در بازار بسیار تأثیر گذار باشد. در این میان به دیگر اتفاق‌هایی چون توفان در خلیج مکزیک نیز می‌توان اشاره کرد که هر ساله این اتفاق با نوسانات شدید در بازار شده است. البته باید تأکید داشت متوسط قیمت نفت در سال ۲۰۱۰، حدود ۷۰ تا ۵۰ دلار پیش‌بینی می‌شود و این امکان وجود دارد که در برخی از روزها این رقم به پایین‌تر از ۷۰ تا ۵۰ دلار نیز برسد.(پلنا)

\*عضو هیات علمی موسسه عالی آموزش و پژوهش در مدیریت و برنامه‌ریزی

برنامه‌ریزان دولتی بر این باورند که هدفمندسازی یارانه‌ها برای همیشه تکلیف‌فرا مشخص می‌کند، اما برآورد شاخص‌های مختلف اقتصادی نشان می‌دهد که قد کوتاه یارانه‌هایی که دولت می‌خواهد با هدفمند کردن آنها را راهی جیب فقرا کند، بسیار کوتاهتر از پیکچ فقری است که این‌روزها از سروکول بسیاری از شهروندان بالا رفته‌است؛ اما این نکته را نیز نباید فراموش کرد که دولتی‌ها در چنین شرایطی چشم‌به‌پای نمایندگان مجلس دارند.

دولت در لایحه بودجه سال آینده، با فرض سال ۱۳۸۸ به‌عنوان نخستین سال اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها رقم ۴۰ هزار میلیارد تومان منابع برای خود پیش‌بینی کرده‌بود، با این حال سال نمایندگان مبنی بر اعلام سال آینده به‌عنوان سال نخست اجرای هدفمند کردن یارانه‌ها باعث شد کمیسیون تلفیق که تا پیش از آن در مقابل بیشتر خواسته‌های دولت در لایحه بودجه از جمله نفت ۶۵دلاری کوتاه‌بیاید، این بار چرخشی به‌سوی نمایندگان مجلس داشته و رقم ۲۰ هزار میلیارد تومانی مدنظر بهارستان نشینان برای منابع حاصل از هدفمند کردن یارانه‌ها را بپذیرد. در پی‌نصف شدن منابع دولت از اجرای هدفمند کردن یارانه‌ها، در مرحله نخست اعلام شد که دولت این قانون را اجرا نخواهد کرد، با این حال میرتاج‌الدینی و ندیمی، معاون پارلمانی و مشاور معاون پارلمانی رئیس‌جمهور اعلام کردند که قانون هدفمند کردن یارانه‌ها در هر صورت اجرا خواهد شد، هر چند اعلام شد که رقم ۲۰ هزار میلیارد تومان، دست دولت را برای اجرای صحیح این قانون خواهد بست. با این حال نگاهی به سوابق رویارویی‌های دولت و مجلس نشان می‌دهد که دولت این بار هم کوتاه نخواهد آمد و تا تحقق کامل نظر خود، مجلس را تحت فشار قرار خواهد داد، یا دست‌کم به گونه‌ای رفتار خواهد کرد که در صورت تبعات بالای اجرای هدفمند کردن یارانه‌ها یا بن‌بست احتمالی در این راه، تمامی مشکلات را به گردن مجلس خواهد انداخت. تجربه پیشین از این دست، به‌سمیه‌بندی یزین برمی‌گردد. در آن

ارسانالی دولت اعمال نشود و با تغییرری هر چند جزئی، لایحه بودجه را مصوب مجلس خوانده و از خودسلب مسئولیت کرده‌است.

♦ **اگر وعده دولتی‌ها مبنی بر توزیع مساوی یارانه بین متقاضیان محقق شود، رقمی معادل ماهانه ۱۳ هزار و ۵۲۸ تومان به هر نفر پرداخت خواهد شد. تفاوت معنادار این رقم با اعلام شده در سال گذشته مبنی بر پرداخت ۴۰ تا ۷ هزار تومان به طبقات محروم، قطعاً نارضایتی‌های گسترده‌ای بین اقشار مختلف مردم خواهد داشت**

مقطع نیز نخست دولت این طرح را به مجلس ارائه کرد، اما در ادامه راه، تعلل دولت در اجرای طرح انتقادات نمایندگان را در پی داشت. با این حال دولت در اقدامی غافلگیرکننده، به یک باره سهمیه‌بندی یزین را اعلام و در ادامه مشکلات اولیه‌ای را که بسیاری وجود آمد، به‌طور تام برعهده مجلس دانست. همچنین لایحه بودجه سال‌های گذشته نیز نشان می‌دهد که دولت هر بار از مجلس خواسته که کمترین تغییراتی در لایحه

## حرف‌ها



# کوتاهی یارانه‌ها و بلندی فقر

♦ **ر طرح هدفمندسازی، شعارهای عداالت‌خواهانه محک می‌خورد**



♦ **مبارزه با فقر و گسترش عدالت از اصلی‌ترین شعارهای دولتمردان است که در چند سال گذشته در جامعه دست به دست شده است، اما بدون تعارف هنوز فقر جایی بزرگ در اقتصاد ایران دارد و عدالت نیز در شکاف اقتصادی طبقات همچنان نقشی از همان آرزوی قدیمی دارد که به رویا تبدیل شده است. با این وجود دولتی‌ها در سال آینده با نقدی کردن یارانه‌ها راهبردی تازه برای مقابله با فقر و از سوی دیگر توزیع عدالت ارائه داده‌اند، راهبردی که بدون شک اقتصاد ایرانی را به دور تازه‌ای از کش و قوس‌ها وارد می‌کند. اما ماه‌های سپری شده با تب هدفمندی، نشان می‌دهد که این راهبردی عاری از خطا و احتمال شکست نیست.**

جمعیت کشور را به ۳ خوشه تقسیم‌بندی کند. در خوشه نخست که دهک اول تا چهارم را شامل می‌شود، حدود ۳۰ میلیون نفر، در خوشه دوم، دهک‌های پنجم تا هفتم جامعه به ۱۷ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر و در خوشه سوم، دهک‌های هشتم تا دهم با ۱۴ میلیون نفر قرار گرفته‌اند. ندیمی، مشاور معاون پارلمانی رئیس‌جمهور نیز در پاسخ به این سوال که با توجه به مصوبه اخیر کمیسیون تلفیق، آیا تغییری در پرداخت یارانه نقدی به مردم ایجاد خواهد شد یا خیر، می‌گوید: متن قانون تغییری نکرده و یارانه‌ها به همان نسبت‌های ۵۰، ۳۰، ۲۰ درصد بین ۳بخش مردم، تولید و دولت توزیع خواهد شد و به نسبت کاهش درآمد، یارانه پرداختی نیز کاهش خواهد یافت. با احتساب این ارقام، این نتیجه به دست می‌آید که دولت باید سال آینده ۱۰ هزار میلیارد تومان را بین مردم توزیع کند، پس در صورتی‌که هیچ متقاضی جدیدی در ردیبهشت برای دریافت یارانه نقدی به دولت مراجعه نکنند که البته فرض محالی است، دولت باید طی یک سال ۱۰ هزار میلیارد تومان را



که این افراد واسطه خریداران پشت‌پرده‌ای هستند که با دلال بازی در بازار در پی کسب سود هستند و با پول خود در هر بازاری که فکر می‌کنند می‌توانند از آب گل آلود ماهی بگیرند نیز حاضر می‌شوند و در چنین شرایطی باید بورس تلاش کند فقط به مصرف کنندگان واقعی یا کسانی که پروانه کسب معتبر در بازار آهن را دارند اجازه معامله بدهد.» رئیس صنف آهن فروشان در ادامه می‌گوید: «برای رفع چنین مشکلاتی پیشنهاد عضویت یک نماینده از صنف فروشندگان آهن در شورای نظارت بورس کالا را مطرح کرده‌ام تا از این طریق از ورود دلالانی که بازار را آشفته می‌کنند جلوگیری شود.» به‌ر شکل به نظر می‌رسد آنچه در بازار آهن اتفاق افتاده مانند بسیاری از اتفاقات مشابه در دیگر فضاهای اقتصادی کشور، مدیون مردان مجهولی است که هیچ‌کس حاضر نیست نامی از آنها ببرد. اما آنچه از میان کلام دست‌اندرکاران بازار می‌توان مشاهده کرد، رفع مسئولیت و مقصر دانستن دیگری است. به این ترتیب که باز دولت مقصر در بازار می‌داند و بازار، بورس را مقصر قلمداد می‌کند و بورس نیز به نوبه خود جعبه‌روایی را عامل تغییرات قلمداد می‌کند و البته در نهایت نیز در جمع‌بندی، افراد مجهولی وارد بازار می‌شوند که بدون هیچ مشکلی می‌توانند در طول یک روز بازار آهن کشور را مخدوش کرده و از این طریق دولت می‌تواند به اقدام به موقع خود برای دخالت در بازار افتخار کند، دست‌اندرکاران بازار می‌توانند همدار به موقع خود به دولت را معاد جلوگیری از بحران دانست و بورس نیز به افزایش حجم عملیات خود فخر می‌فروشد و در نهایت همه دلالان ناشناس را تف و لعنت می‌کنند که باعث این همه عملکرد درخشان در بازار شده‌اند؛ به این ترتیب باندکی وقت می‌توان موجولات فراوانی را در این معادله دید، مجهولاتی که نقش و ضعف دولت در آن مشهود است.(خبرآنلاین)

# مردان مجهول آهنی!



منحنی قیمت آهن در بازار بورس فلزات طی ایام اخیر تا مرز ۸۱۰ تومان رفت و با دخالت دولت در بازار دوباره به سطوح قبلی بازگشت و در آخرین روزهای معاملات در قیمت ۷۰۰تومان به آرامش رسید.

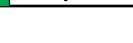
اما فرزا و فرود درحالی‌افتاد که براساس اظهارات سسمعی نژاد معاون وزیر صنایع و معادن، آنچه در بازار اتفاق افتاد ناشی از دلال بازی و سوء استفاده از جو روانی بازار بوده و دولت با افزایش عرضه انواع محصولات فولادی به بازار بورس توانسته این دلال بازی و سودجویی را مهار کند.

این در حالی است که دست‌اندرکاران بورس کالا در این زمینه اعتقاد دیگری دارند. محمود فغاری مدیر امور ناظرین و تالارهای بورس کالای ایران در تحلیل برخی نوسانات اخیر در قیمت محصولات فولادی می‌گوید: «عوامل روانی ناشی از در پیش بودن سال نو و خروج از شرایطی که چندماه اخیر بر کشور حاکم بود، موجب افزایش قیمت برخی محصولات فولادی در سه عرضه اخیر واحدهای فولادسازی در بورس کالا شده است.» اما محمد آزاد، رئیس صنف آهن فروشان معتقد است؛ دلالان مورد اشاره سسمعی نژاد دست‌اندر کار بازار آهن نبوده و کسانی هستند که هیچ سابقه‌ای در صنف فروشندگان آهن ندارند. وی با اشاره به افزایش ناگهانی قیمت در بازار می‌گوید: «همزمان با این افزایش قیمت من شخصه با نامه‌نگاری از وزیر صنایع در خواست کردم در بازار دخالت کنند تا قیمت‌ها دوباره متعادل شوند و متأسفانه آنچه در بورس شاهد آن بودم به هیچ وجه به مبادله شبیه نبود، بلکه یک مسابقهٔ افزایش قیمت بود.»

محمد آزاد در توضیح مردان مجهولی که بازار را آشفته می‌کنند می‌گوید: «زمانی که وارد تالار مبادلات بورس می‌شوی، می‌بینی برخی از کامیون‌داران و فعالان بخش حمل و نقل اسفهان در حال خرید آهن هستند و معلوم است

روننامه صبح ایران • سال چهارم • شماره ۹۲۲ • ۱۹ اسفند ۱۳۸۸ • ۱۶ صفحه

## اقتصاد



بین ۶۱میلیون و ۶۰۰ هزار نفر توزیع کند. اگر وعده احمدی‌نژاد و فرزین مبنی بر توزیع مساوی یارانه بین متقاضیان محقق شود، رقمی معادل ماهانه ۱۳ هزار و ۵۲۸ تومان به هر نفر پرداخت خواهد شد. تفاوت معنادار این رقم با ارقامی که در سال گذشته و روزهای نخست سال جاری مبنی بر پرداخت ۴۰ تا ۷۰ هزار تومان به طبقات محروم و ۲۰ تا ۴۰ هزار تومان به اقبشار کمتر محروم جامعه، قطعاً نارضایتی‌های گسترده‌ای بین اقشاری خواهد داشت که امید به دریافت یارانه نقدی و حل مشکلات خود از این راه داشتند.

♦ **تورمی که یارانه‌ها را می‌بلعد**

مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی تبعات سناریوهای متفاوت از هدفمندسازی یارانه‌ها را بررسی و اعلام کرد: در صورتی‌که در سال اول اقدام به آزادسازی ۲۰ هزار میلیارد تومان از یارانه‌ها شود، تورمی معادل ۳۷٫۶ درصد، علاوه بر تورم موجود به کشور تحمیل خواهد شد. هر چند حمشید پژویان، رئیس شورای رقابت به واسطه نزدیکی وی با دولت، گزارش مرکز پژوهش‌ها را غیر کارشناسی و با اغراض سیاسی خوانده‌است، اما رقم ۳ هزار و ۵۰۰ تومانی پرداختی به هر فرد، قطعاً و درنگاهی منصفانه و به دور از علایق و گرایش‌های سیاسی، شاید فقط جوابگوی افزایش قیمت فرآورده‌های سوختی، قبوض مختلفی چون برق و گاز و افزایش قیمت حمل و نقل که متأسر از قیمت فرآورده‌های سوختی است، شود. تمامی کارشناسان اقتصادی نیز بر این باورند که افزایش قیمت فرآورده‌های سوختی، تأثیر مستقیم بر قیمت تولیدات داخلی داشته و هم از راه روانی، تورم گسترده دیگری را در جامعه رقم خواهد زد که بعید است یک خانوار چهار نفره با دریافت ماهانه ۵۴ هزار تومان قادر باشد بر این مشکلات تکیه آید.

♦ **مشقت، نمونه خوار**

در بررسی مرکز آمار برای خوشه‌بندی مردم، در ۲ خوشه درآمد سرانه هر نفر معادل یک میلیون و ۳۰۳ هزار ریال عنوان شده بود. با این حساب، درآمد یک خانوار متوسط ۴ نفره بر اساس نظر مرکز آمار ایران برای اینکه جزو طبقات محروم قرار بگیرد، حدود ۵ میلیون و ۵۲۱ هزار و ۲۰۰ ریال اعلام شده بود. پرداخت ماهانه ۵۴۰ هزار ریال به این خانوار، سطح درآمدی این خانوار را معادل ۹۱/۸درصد افزایش خواهد داد. حال اگر تورم پیش‌بینی شده توسط مراکز دولتی همچون وزارت بازرگانی و وزارت اقتصاد را که به ترتیب ۱۹ و ۲۲ درصد اعلام شد، ملاک عمل قرار گیرد، مشاهده می‌شود که یارانه نقدی پرداخت شده از سوی دولت، تنها نیمی از تورم تحمیلی به این خانوارها را پوشش خواهد داد بنابراین با توجه به این امر، پیش‌بینی عملی شدن وعده‌های دولت مبنی بر از بین رفتن فقر در چند سال آینده، نه فقط با دید موجه می‌شود، بلکه این نگرانی پدید می‌آید که شاید با اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها به روش فعلی، بخش‌های گسترده‌تری از مردم به زیر خط فقر و گرسنگی رهنمون شوند.(پلنا)



نیز بیش از یک دلار ارزان تر می‌خرد. این در حالی است که ایران نفت خود را در قالب فوب خلیج فارس عرضه می‌کند و هیچ‌گونه هزینه حمل و نقلی از سوی ما پرداخت نمی‌شود. براین اساس مسئولان نفتی تأکید دارند سیاست ایران فروش نفت به کشورهای آسیایی است، اما فروش نفت ارزان به اروپا در شرایط فعلی حکایت از سیاستی دیکر دارد. به گفته کارشناسان؛ ایران تلاش دارد با عرضه نفت ارزان بازار نفت اروپای غربی را برای خود حفظ کند و دلیل این ارزان‌فروشی همین است. به هر حال باید پذیرفت که این امر اساساً در جهت اقتصاد و با منطق سرمایه‌سازگار بوده و خیلی بر آن وارد نیست. اما این امر به نوبه خود سوسی دیگر ماجرا را نیز آشکار می‌کند. به‌طور کلی منافع کارتل‌های بزرگ نفتی از کشور، اینها جدا نیست. عضویت دیک چنی در مدیریت شرکت اترون آمریکایی که بزرگ‌ترین فرار نقدی را با عراق تحت اشغال امضا کرده است، موید این مطلب است. ازاین‌رو می‌توان نتیجه گرفت که کارتل‌های نفتی و نیز کشورهای غربی همواره از پی تحریم ایران، نفع خود برده و هیچ‌کس در ذهن نیست که فشار‌ها برای اعمال تحریم‌های بیشتر بر ایران در جهت منافع این شرکت‌ها و نیز این کشورها باشد. از سوی دیگر حفظ بازارها و مبارزه با رقیب بزرگی چون عربستان و رقیب نو ظهور دیگری به نام عراق در مقام عرضه نفت در جهان، این توجیه را پدید می‌آورد که از هر ابزاری حتی بازاران تر فروختن، برای حفظ بازارها و مشتری‌ها تلاش کرد، در عین حال که روسیه نیز طی سال‌های گذشته ابتدا با ارزان‌فروشی و سپس با بستن بیش‌ترها به گران‌فروشی گاز خود به اروپا روی آورد. گرچه بعید به نظر می‌رسد که ایران روزی شیرهای نفت و گاز خود را به روی مشتریانش ببندد، اما در این جانتلاف علی‌حرف اول را می‌زنسد و در این راه حتی از ارزان‌فروشی نیز باکی نیست.(خبرآنلاین)

# بهبان‌ای برای خرید نفت ارزان

در حالیکه مسئولان نفتی بارها تأکید کرده‌اند که سیاست ایران بیشتر فروش نفت به آسیاست تا اروپا، اما در عمل آمارها نشان می‌دهند که ایران هر بشکه نفت خود را بیش از ۵ دلار ارزان‌تر از قیمتی که به آسیا می‌فروشد در اروپای غربی عرضه می‌کند. البته کارشناسان این سیاست مسئولان نفتی را حفظ بازار اروپا می‌دانند، چرا که فروش نفت ایران براساس فوب خلیج فارس بوده و هزینه حمل و نقل محموله نیز با خود خریدار است.

بر اساس گزارش بررسی و تحلیل روزانه بازار، نفت امور بین‌الملل شرکت ملی نفت، نفت ایران به نواحی آسیا، اروپا، آفریقای جنوبی و مدیترانه صادر می‌شود که در این میان آسیایی‌ها نفت ایران را گران‌تر از دیگر کشورها خریداری می‌کنند. گفته می‌شود علت اصلی گران بودن قیمت نفت آسیا نسبت به دیگر نقاط محاسبه این رقم بر مبنای قیمت گران بودن این رقم می‌شود. در این بین اروپایی‌ها نفت سبک و سنگین ایران را ارزان‌تر از دیگر کشورها دریافت می‌کنند. از سوسی دیگر در حال حاضر گران‌ترین بها را آسیا به نفت ایران می‌پردازد و پس از آن نیز آفریقای جنوبی و مدیترانه بالاترین قیمت را به نفت ایران می‌پردازند. براساس این گزارش، آسیا هر بشکه نفت سبک ایران را بیش از ۵ دلار گران‌تر از نفت اروپا خریداری می‌کند. همچنین نفت سنگین ایران به مقصد آسیا نیز حدود ۵ دلار گران‌تر از هر بشکه نفت سنگینی است که به اروپا صادر می‌شود. در این بین نفت سبک و سنگین ایران به نسبت آسیا بیش از ۵ دلار ارزان‌تر به مدیترانه عرضه می‌شود. آفریقای جنوبی نیز هر بشکه نفت سبک ایران را ۲ دلار ارزان‌تر از آسیا می‌خرد.

همچنین آفریقای جنوبی نیز هر بشکه نفت سنگین ایران را